

جایگاه سرمایه اجتماعی در کارآمدی نظام سیاسی

محمد شریفی^۱دکتر عبدالرضا بای^۲دکتر حسین ابوالفضلی^۳دکتر علی صالحی فارسانی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۳۰

چکیده

سرمایه اجتماعی به همراه سرمایه های اقتصادی و انسان جزء ثروت ملی هر کشور و جامعه ای به شمار می آید که می تواند موقعیت و بستر کافی را برای استفاده از سرمایه انسانی و فیزیکی و همچنین راهی برای موفقیت قلمداد شود. بدون توجه به سرمایه اجتماعی، هیچ نظامی این امکان را نمی یابد که به سرمایه ای برسد. به گونه ای که اکثر گروه ها، سازمان و جوامع انسانی بدون سرمایه اجتماعی، و صرفاً با تکیه بر سرمایه اقتصادی و انسانی نمی توانند به موفقیت کافی برسند. این پژوهش با هدف بررسی نقش سرمایه اجتماعی در کارآمدی نظام سیاسی به روش توصیفی-تحلیل انجام شده است.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، کارآمدی، نظام سیاسی.

^۱ دانشجوی دکتری، علوم سیاسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

MS.Sharifi57@gmail.com

^۲ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران (نویسنده مسئول)

phd_bay1979@yahoo.com

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

hosainabolfazly47@yahoo.com

^۴ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران ali_salehi62@yahoo.com

سرمایه اجتماعی از مفاهیم جدیدی است که در بررسی های اقتصادی و اجتماعی جوامع مدرن مطرح گردیده است. در کلی ترین سطح، سرمایه اجتماعی ویژگی هایی از یک جامعه یا گروه اجتماعی است که ظرفیت سازماندهی جمعی و داوطلبانه برای حل مشکلات متقابل یا مسائل عمومی را افزایش می دهد. به طور کلی می توان گفت: هر چه سرمایه اجتماعی ملتی بیشتر باشد، آن ملت، خوشبخت تر و ثروتمندتر خواهد بود. (الوانی، ۱۳۹۱: ۳۴). کاواچی معتقد است بین سرمایه اجتماعی، با توسعه اقتصادی، بهداشت، عملکرد تدریجی دموکراسی و ممانعت از جرم و جنایت ارتباط تنگاتنگ وجود دارد (کاواچی، ۲۰۰۱: ۳۱). به طور کلی، سرمایه اجتماعی مجموعه ای از هنجارها و ارزش های موجود در سیستم های فکری، علمی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه است که از تاثیر نهاد های اجتماعی و اقتصادی جامعه به دست می آید و دارای ویژگی هایی مانند اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی و احساس هویت جمعی و گروهی است. (فاتحی و اخلاصی، ۱۳۹۱: ۱۴۹). اگر حکومت ها، نظام های سیاسی و یا دولت ها سیاسی این امکان را داشته باشند در الزام سیاسی یا *political obligation* که ترجمه آن عبارت اند از: تعهد و تکلیف سیاسی؛ به موفقیت برسند، نتیجه آن ثبات، تداوم و پایداری نظام سیاسی خواهد بود؛ این نتیجه ای است که تمامی دولت ها و نظام های سیاسی به دنبال تامین آن بوده و هستند (عیسی نیا، ۱۳۹۷: ۳۶). با توجه به چنین جایگاه مهمی که سرمایه اجتماعی دارد، می توان این سوار را مطرح کرد که سرمایه اجتماعی در تداوم کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران چه نقش جایگاهی دارد؟ پژوهش حاضر می کوشد تا از منظر راهبردی به موضوع جایگاه سرمایه اجتماعی در کارآمدی نظام سیاسی کشور بپردازد. در این پژوهش از روش توصیفی تحلیلی برای مطالعه و استنتاج از اطلاعات و داده های پژوهش در کنار روش اسنادی برای جمع آوری داده های پژوهشی مورد استفاده قرار گرفته است.

۲- مبانی نظری تحقیق

۲-۱- سرمایه اجتماعی

به عقیده پانتام سرمایه اجتماعی «وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه ها است که می توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشند». پانتام شبکه ها، هنجارها، اعتماد و مشارکت را چهار موله اصلی سرمایه اجتماعی معرفی می کند (putna, 1993: 165-172). از نظر کلمن سرمایه اجتماعی نشان دهنده منبع است زیار متضمن شبکه های مبتنی بر اعتماد و ارزش های مشتر است (نرگارد^۲، ۲۰۰۵). ابعاد سرمای اجتماعی از نظر کلمن سه بعد زیر را در بر می گیرد: ۱-تعهد، انتظارات، ۲- کلنال های ارتباطی ۳-هنجارها و ضمانت های اجرایی مؤثر (گودرزوند چگینی، ۱۳۹۶: ۲۴).

۲-۲- کارآمدی نظام سیاسی

به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران کارآمدی عبارت از: کسب هدف های تعیین شده و رضایت خاطر کسانی است که در رسیدن به اهداف نقش دارند. البته در علم سیاست مفهوم کارآمدی همچنین با مفاهیم

³Kawachi,
² Neergard,

دیگری چون مشروعیت و اقتدار سنجیده می شود و در این میان مشروعیت و کارآمدی دو شرط اصلی بقای هر حکومتی است و بین آنها تعامل و ارتباط دوجانبه و مستقیمی وجود دارد. نظام سیاسی هنگامی کارآمدی دارد که بتواند وظایفی را که بیش تر مردم یا حکومت شوندگان از او متوقعند انجام دهد در واقع پشتیبانی واقعی و عینی مشروعیت هر نظامی وابسته به کارآمدی آن است (صیاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۸)

۳-۲- شاخص های سرمایه اجتماعی

اعتماد: از دیدگاه اکثر پژوهشگران سرمایه اجتماعی، اعتماد بر مشارکت و بهبود کیفیت زندگی انسانی تاثیر گذار است.

انسجام اجتماعی: آیزنشتات بیان میکند که اصلیتترین مساله نظم اجتماعی برای بنیان گذاران جامعه شناسی، اعتماد و همبستگی اجتماعی است (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۲)

شبکه: از نظر جامعه شناسان عضویت در شبکه ها باعث ایجاد سرمایه اجتماعی برای افراد شده و رفاه و آسایش و کیفیت زندگی را برای افراد ایجاد می کند (شافت، ۱۹۹۸، وارشنی ۲۰۰۰)

آگاهی: آگاهی از مسائل و عوامل عمومی از عوامل موثر بر روابط اجتماعی است.

احساس تعلق (وابستگی به مکان): حس تعلق با سرمایه گذاری یا تعلق نمادین تری به مکان، به ویژه حس در شمار آورده شدن و ریشه داشتن همراه است. (شجاعی، ۱۳۸۷: ۶۹)

مشارکت: یکی از لوازم برنامه ریزی در دنیای جدید توجه به مشارکت فعال و اثر بخش همه جانبه افراد جامعه در تمام ابعاد مختلف توسعه است. (محسنی تبریزی، ۱۹۹۶: ۵۴)

۴-۲- شاخصه ها و مکانیسم های کارآمدی نظام سیاسی

به طور کلی شاخصه ها و مکانیسم های کارآمدی در نظام جمهوری اسلامی ایران به این صورت می باشد (فتحعلی، ۱۳۸۳: ۱۰-۱۰۵):

قانون: قوانین و مقررات باید بر اساس احکام اسلامی که قابلیت و انعطاف لازم را در شرایط زمانی و مکانی دارا است و برگرفته از کتاب و سنت باشد. از این طریق است که نظام سیاسی کارآمد خواهد شد و مسائل پیش روی آن نیز از بین خواهد رفت (دانایی فر، ۱۳۹۱: ۵۱) این گونه قوانین دارای ساختار سلسله مراتبی می باشند که در ابلاغیه های رسمی باید این ساختار را حفظ کرد (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۸۷).

شورا و مشارکت: این حق عمومی بی گمان در راستای جلوگیری از استبداد حکومتی و به دست آوردن آزادی های مردمی است. (آل عمران، ۱۵۹، شوری ۳۸؛ بقره ۲۳۳)

مسئولیت پذیری و نظارت بر انجام فعالیت ها: به گونه ای که با اجرای درست آن می توان بسیاری از چالش ها و مشکلات درون حکومت را حل کرد و این طریق به کارآمدی در سطح مطلوبی رسید. (آل عمران، ۱۰۴ و ۱۱۰)

برابری: نظام سیاسی در صورتی می تواند به کارآمدی برسد که تبعیض های قومی، گروهی، رنگ، نژاد و قدرت و ثروت را از میان بردارد و برابری را گسترش دهد (حجرات: ۱۳)

عدالت: این شاخصه مهم در مباحث کارآمدی جایگاه ویژه ای دارد. به گواهی قرآن کریم فلسفه بعثت انبیا، ارسال رسل، انزال کتب و تشریح قوانین مختلف از سوی پروردگار، در این راستاست (حدید: ۲۵)

عقل: قرآن کریم انسان ها را در سوره های بقره، مائده، انفال و طور به عقل گرایی فرا می خواند و به جایگاه مهم عقل اشاره کرده است (بقره: ۱۶۴، ۱۷۰ و ۱۷۱؛ مائده: ۵۸ و ۱۰۳؛ انفال: ۲۲؛ طور: ۱۴).

مصلحت: مصلحت از جمله عناصر و شاخص‌های کارآمدی نظام سیاسی می‌باشد که در مقابل با مسایل جدید و نوظهور می‌تواند انعطاف‌پذیری و حل مشکلات را در پی داشته باشد.

وحدت: بی‌تردید وحدت در تمامی ابعاد اعم از وحدت بین مردم، وحدت بین مردم و مسئولان و وحدت بین مسئولان با یکدیگر، شرط لازم و از شاخصه‌های اساسی کارآمدی است.

ثبات سیاسی و عدم خشونت^۱: وجود بی‌ثباتی‌های سیاسی موجب تزلزل در سیمای اجتماعی کشور می‌شود و در کارایی و کنش مؤثر دولت و همچنین جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی تأثیر می‌گذارد (دانایی فر، ۱۳۸۸: ۱۵۰).

کنترل فساد^۲: مبارزه با فساد به بهبود شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی نظیر سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر، رشد اقتصادی، درآمد بالاتر، مرگ و میر کمتر کودکان، سواد بالاتر، حقوق مالکیت قوی تر و افزایش رشد کسب و کار شود و زمینه برای بهبود کیفیت زندگی فراهم می‌شود.

حق اظهارنظر و پاسخگویی^۳: مردم بتوانند دولت را در برابر آنچه که بر آنها تأثیر می‌گذارد مورد سوال و بازخواست قرار دهند (Wallace, 2009: 255).

حاکمیت قانون^۴: حاکمیت قانون امنیت و احساس خوشبختی و رضایت از زندگی را فراهم کند. در این زمینه قوه قضائیه می‌تواند یک پیش‌نیاز است (قلی‌پور، ۱۳۹۳: ۱۰۱).

۲-۵- پیشینه پژوهش

عیسی‌نیا در (۱۳۹۷) پژوهشی تحت عنوان «نقش سرمایه اجتماعی در پایداری نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران» انجام داده است. نگارنده سعی کرده است در چارچوب نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام و همچنین با استفاده از روش آینده‌پژوهی نقشه راه، به نقش و جایگاه «اعتماد» به عنوان یکی از عوامل و عناصر مهم سرمایه اجتماعی در حفظ و پایداری نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران بپردازد. بر اساس یافته‌های این تحقیق: در چهار دهه گذشته، از میزان اعتماد در سطح رجال و شخصیت‌ها و نهادها کاسته شده است. که این امر چالش‌هایی برای جمهوری اسلامی سبب شده است که اگر برنامه و راهکاری برای این مسأله اندیشیده نشود با چالش‌های مهمی در بخش بحران مشروعیت مواجه خواهیم شد.

۳- نظام سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

۳-۱- فعالیت‌ها در مسیر استقرار نظام جمهوری اسلامی

از جمله فعالیت‌هایی که جهت استقرار سرمایه اجتماعی در نظام جمهوری اسلامی ایران ضروری به نظر می‌رسد عبارت‌اند از:

تشکیل نهادهای مردمی: اولین نهاد مردمی در قالب کمیته‌های انقلاب اسلامی برای حفاظت از انقلاب اسلامی شکل گرفت که مهم‌ترین وظیفه آن دست‌گیری و مجازات جنایتکاران رژیم پهلوی و ضدانقلاب‌ها بود (خدادادی، ۱۳۸۸: ۴). از دیگر نهادهای انقلابی که در سایه انقلاب اسلامی به وجود آمد، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. برای نگهداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی (تقوی، ۱۳۸۰: ۱۹۲).

¹ Political Instability and Violence.

² Control of corruption

³ Voice and Accountability.

⁴ Rule of law.

انتخابات: انتخابات و رجوع به آرای مردم، یکی از نمادهای مهم و اصلی حکومت‌هایی است که مردم شکل‌گیری آن حکومت‌ها نقش اساسی داشته‌اند. امام خمینی (ره) درباره حضور تعیین‌کننده مردم در انتخابات فرمودند: «جمهوری اسلامی، حکومتی متکی بر آرای عمومی است.» (خمینی، ج ۲: ۱۵).

تصویب قانون اساسی: قانون اساسی «مجموعه قواعد و مقرراتی است که حاکم بر حکومت و صلاحیت قوای مملکت و حقوق و آزادی‌های فرد و جامعه و روابط فی‌مابین آن‌هاست (لنگرودی، ۱۳۶۸: ۸۰) ایران برای نخستین بار در سال ۱۲۸۵ ه.ش با نهضت مشروطیت، صاحب قانون اساسی شد که با انقلاب اسلامی در ایران و تشکیل نظام مقدس جمهوری اسلامی، شکل‌گیری قانون اساسی بود (عمید زنجانی، ج ۱: ۲۰۱).

۲-۳- کارآمدی در حوزه سیاست

یکی از شاخص‌های کارآمدی نظام‌های سیاسی امکان جذب حداکثری شهروندان در امر حکمرانی و برقراری شرایطی است که همه شهروندان یک کشور به دور از تفاوت‌ها بتوانند در اداره کشور مشارکت داشته باشند (جعفری نیا، ۱۳۹۱: ۸۹). هانتینگتون مشارکت سیاسی را فعالیت خصوصی شهروندان به قصد تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های دولت تعریف می‌کند (فیروزجائیان، ۱۳۸۷: ۸۶). به‌طورکلی میزان مشارکت مردم در امور جامعه یکی از شاخص‌های توسعه سیاسی و به تبع آن کارآمدی نظام سیاسی محسوب می‌شود (امینی، ۱۳۹۰: ۸۹).

۳-۳- تولید سرمایه اجتماعی از طریق کارآمدی اقتصادی، کارآمدی در ثبات سیاسی و عدالت

تولید سرمایه اجتماعی به وسیله‌ی حوزه اقتصاد به‌واسطه سرمایه انسانی و محیطی اتفاق می‌افتد. بنیان‌های شفاف و پاکیزه اقتصادی، برابری پایگاه‌های اقتصادی مردم و عدالت اقتصادی و ایجاد سطحی از رفاه نسبی اقتصادی و در نهایت توسعه پایدار می‌تواند موجبات اعتماد به سیستم را افزایش دهد. اقتصاد به‌خوبی می‌تواند با واسطه کارآمدی، سطح سرمایه اجتماعی را مضاعف نماید. باید توجه داشت که صرف دستگاه بروکراسی باهدف گذاری‌های موجود در قانون اساسی به‌تنهایی نمی‌تواند ایجاد سرمایه اجتماعی نماید (دارا و خاکی، ۱۳۹۶: ۲۱۰-۲۱۱). برخی اجزای ثبات سیاسی از اهمیت بیشتری برخوردارند:

الف) نظم در جریان تعاملات سیاسی: قاعده‌مندی نحوه مواجهه کارگزاران سیاسی نظام با مردم و مواجهه با جریان‌ها و احزاب و شخصیت‌های سیاسی و البته نحوه اثبات برخورد با دشمن، در تولید سرمایه اجتماعی بسیار سودمند است (Ake, 1974: 28).

ب) نهادمندی سیاسی: نهادمندی اعم از التزام مدیران سطح بالای نظام و شخصیت‌های صاحب نفوذ به قانون و تبعیت از ساختارهای موجود در کشور است (هانتینگتون، ۱۳۷۵: ۱۰-۱۵). برقراری عدالت منبع لایزال تولید اعتماد و اطمینان نسبت به نظام سیاسی است. مهم‌ترین فضیلت برای یک نظام اجتماعی عدالت است (Rawls, 1999: 3).

۴-۳- نقش مردم در مشروعیت و اقتدار نظام سیاسی اسلام

از منظر اسلام مشروعیت به معنی حق اعمال قدرت تنها از آن خداست و مکانیزم تحقق آن از طریق حاکمیت پیامبر، ائمه و اولی الامر تعریف شده است. یک اصل اساسی در دین اسلام پذیرش آزادی مبتنی بر «لا اکره فی الدین» (بقره، ۲۵۶) است. وقتی در یک جامعه اسلامی شهروندان خود از سر اختیار و آزادی، دین اسلام را مورد پذیرش قرار می‌دهند از جمله اصول دین اسلام که مورد پذیرش اختیاری آن‌ها

واقع می‌شود این است که فرد مسلمان خود را تحت ولایت و سرپرستی الهی، و تعالیم و فرامین و احکام اسلام را به‌عنوان آموزه‌های سعادت‌بخش و خوشبختی‌آفرین مبنای اعتقاد و اعمال و رفتار خود قرار می‌دهد (لاریجانی و غلامی ایرستان، ۱۳۹۰: ۸۷).

نکته اول: در زمینه رابطه و نسبیّت مردم با مشروعیت الهی قدرت سیاسی اسلام این است که مردم این حاکمیت و حق اعمال قدرت ر در نظام سیاسی اسلام خود از سر میل و رغبت موردپذیرش قرار می‌دهند. (خمینی، ۱۳۶۹، ج ۳: ۳۶).

نکته دوم: در این باره این است که وقتی قدرت و مشروعیت و ولایت الهی از سوی مردم موردپذیرش واقع می‌شود این امر به معنای پذیرش زورگویی و دیکتاتوری متولیان امور نیست بلکه به معنای پذیرش اعمال و اجرای احکام مبتنی بر حق و عدالت و کرامت انسانی اسلامی است (خمینی، ۱۳۷۴: ۲۱).

نکته سوم: درباره رابطه قدرت و مشروعیت اله با مردم در این واقعت نهفته است که اصولاً دین و احکام و دستورات و قدرت الهی اسلام برای اداره جامعه بشری انزال شده است و هدف آن هدایت، تکامل و رفاه و رستگاری انسان است و بدیهی است که چنانچه این قدرت و حاکمیت الهی از سوی مردم موردپذیرش واقع نشود حاکمیت الهی امکان تحقق پیدا نمی‌کند.

آیت‌الله ... جوادی آملی در این باره می‌گوید: «حاکمیت دین حق و نظام اسلامی همانند هر نظام دیگری با آرزوها تحقق نمی‌پذیرد بلکه حضور مردم و اتحاد آنان بر محور حق را می‌طلبد، مردم با پذیرش دین اولاً و پذیرش ولایت حاکم اسلامی ثانیاً دین خدا را در جامعه محقق می‌سازند (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۸۲). سیره پیامبر (ص) و ائمه (ع) هم نشان می‌دهد آن بزرگواران هرچند که مقام نبوت و امامت خود از خداوند کسب کرده بودند با این وجود در عرصه سیاست و حکومت، پذیرش و استقبال و همراهی مردم را شرط تحقق نظام سیاسی اسلام می‌دانستند (لاریجانی و غلامی ایرستان، ۱۳۹۰: ۸۸).

۴- بررسی مولفه های سرمایه اجتماعی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران

۴-۱- بررسی جایگاه سرمایه اجتماعی در اسلام

از دو طریق می‌توان به تبیین و توضیح رابطه مفاهیم دینی و سرمایه اجتماعی پرداخت. نخست که خود دین به عنوان یک مکتب، لیدئولوژی و کل جامع، سرمایه اجتماعی است که باید تلاش کرد آن را در جامعه توسعه داد و جامعه را مبتنی بر ارزش های آن ساخت. دوم؛ توجه به ارزش ها، سرمایه ها ابزار های مترقی دین مانند: خدامحوری، عدالت و انصاف ورزی و ... جهت رشد و پرورش جوامع انسانی و به نوعی کاشت و انباشت سرمایه اجتماعی است (ردادی، ۱۳۸۷: ۱۲۸). در جوامع مذهبی، زمینه رشد سرمایه اجتماعی بیشتر فراهم است؛ زیرا هر چه ارزش های دینی و اخلاقی تقویت شده باشد، رفتار افراد قابلیت پیش بینی بیشتری دارد (رنانی، ۱۳۸۲: ۲۸). به علاوه، در این جامعه، اخلاق رواج دارد و رفتار های مطلوب در نظر گرفته می‌شود که برای تولید سرمایه اجتماعی مفید است (توتونچیان، ۱۳۸۲: ۲۸). دین اسلام سرشار از مفاهیم سرمایه اجتماعی است (توتونچیان، ۱۳۸۳: ۸۲).

۴-۲- نقش دولت در ایجاد سرمایه اجتماعی

به تعبیر وولف^۱ هم بازار و هم دولت به انسان ها به عنوان پیروان قواعد می‌نگرند نه قاعده سازان. این تضعیف اجتماع، برای دولت و بازار هم مشکلاتی پدید آورده است (صیدایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۹۸).

¹ Wolf

به همین جهت سیاست گذاری های عمومی بایستی بکوشند تا تعادل درستی بین اقتصاد بازار، دولت و جامعه مدنی به وجود آورند ولی در اغلب موارد، نقش بازار و دولت افزایش یافته و اجتماع تضعیف شده است (شارع پور، ۱۳۸۵: ۵). عامل تعیین کننده توسعه، به رغم تجربه های متفاوت، کارآمد بودن دولت است (الوانی، ۱۳۷۸: ۳۰).

۳-۴- ابعاد و عناصر سرمایه اجتماعی در نظام جمهوری اسلامی ایران

دانشمندان با توجه به رویکردهای مختلف، سرمایه اجتماعی را از طرق مختلف (جامعه شناسی، اقتصادی، سیاسی) مورد کنکاش قرار داده و اجزاء و عناصر گوناگونی را در بررسی های خود مطرح نموده اند. سرمایه اجتماعی دارای ابعاد فراوانی است که متناسب با فرهنگ هر جامعه است؛ مانند اعتماد، مشارکت در نهادهای مدنی و موسسات خیریه، ارتباطات مناسب با دیگران، تعهد و مسئولیت، همکاری و روحیه کار گروهی و احساس هویت جمعی در این زمینه مدنظر است (منظور و یادبودی، ۱۳۸۷: ۱۴۸).

۴-۴- قدرت اجتماعی رهبر و سرمایه اجتماعی

قدرت اجتماعی ناشی از اراده مردمی است که در یک سرزمین معین و بر اساس یک سری ارزش ها و منافع مشترک زندگی می کنند. این قدرت می تواند پشتوانه نظام یا علیه آن باشد و می تواند یک نوع اتومی اجتماعی حاکم شده و این نیرو هدر رود. یکی از عوامل مهم تبدیل این نیرو به پشتوانه، تعامل حاکم با مردم است. در حکومت اسلامی، شخص اول مملکت با دیگران برابر است (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۳۹۷). این موارد می تواند بر حاکم قدرت اجتماعی ایجاد کند: هم رنگی شئون زندگی امام و امت، اعتماد رهبر به امت، رعایت حقوق متقابل، قدرت کارآمدی.

۵- بررسی نقش سرمایه اجتماعی در اجرای نظام سیاسی مطلوب

۵-۱- سرمایه اجتماعی و رابطه آن با نظام سیاسی مطلوب در ایران

بعضی، کشورهای پیشرفته مطالعات در مورد سرمایه اجتماعی و (حکمرانی خوب) در کشورهای جهان سوم و به ویژه در ایران به روشنی انجام نگرفته و هنوز جای مطالعات بیشتر احساس می شود (سعادت، ۱۳۸۷: ۲). در ایران سرمایه اجتماعی، به ویژه در حوزه رابطه دولت و ملت (سطح کلان)، غالباً ضعیف بوده است؛ دلیل عمده این قضیه این است که جامعه ما هنوز به سامان سیاسی و اجتماعی نرسیده و جامعه ای در حال گذار محسوب می شویم. در جامعه در حال گذار ایران، به موازات فروپاشی نظام سنتی، نهادهای مدنی نوین هنوز قوام نیافته اند و این یعنی اینکه برای رسیدن به حکمرانی خول سال ها فاصله داریم. محمد علی کاتوزیان یکی از مهمترین عوامل توسعه نیافتگی ایران در فقدان رابطه دموکراتیک بین دولت و ملت ایران می داند و در نتیجه گام نخست در خلق سرمایه اجتماعی اعتماد ساز فی مابین ملت و دولت در ایران فراهم سازی بستر مناسب و مطلوب برای اجرا و توسعه روندهای دموکراتیزاسیون است. (ابوالفتحی و قنبری، ۱۳۹۷: ۲۰-۲۱).

۵-۲- فواید سرمایه اجتماعی برای نظام سیاسی

وابستگی متقابل و پیوستگی حاکمیت با جامعه: اساسی ترین اتفاقی که وسیله افزایش میزان سرمایه اجتماعی می افتد، وابستگی متقابل و هم بستگی درونی حاکمیت با ملت است. در این فرض، نیروی ثبات بخش در اوج خواهد بود و هزینه های اداره کشور به شکل کاملاً ملموسی کاهش خواهد یافت (گولدر، ۱۳۶۸: ۲۳۶) در این حثت مسئله حفظ نظام و ثبات آن همانند حف جان و ثبات زندگی مردم خواهد

بود. اعتماد و اطمینان ناشی از بالا بودن میزان سرمایه اجتماعی، حکومت را به ملک مردم مبدل خواهد کرد و طی آن امکان گسست میان مردم و حکومت به وجود نخواهد آمد (ساعی، ۱۳۸۹: ۴).

دستیابی به اهداف: با توجه به بسیاری از شاخص‌های جهانی شدن در ایران و بالتبع کاهش نقش دولت در انجام بسیاری از اهداف، سرمایه اجتماعی به عنوان یک راه حل اجرا شدنی برای مشکلات رشد و پیشرفت، مورد توجه سیاستگذاران و مسئولان سیاست اجتماعی قرار گرفته است (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۲). افزایش مشارکت در انتخابات: مشارکت مردم در انتخابات یکی از شاخص‌های مهم در تعیین میزان سرمایه اجتماعی است. شرکت افراد در انتخابات حتی اگر به معنای تایید قطعی نظام سیاسی مستقر نباشد اما نسبت به عدم شرکت در انتخابات پیام‌های مهمی از اعتماد ضمنی به سیستم حاکم بر کشور دارد (دارا و خاکی، ۱۳۹۶: ۲۱۷).

۳-۵- موانع پیشروی نظام سیاسی مطلوب در ایران از منظر سرمایه اجتماعی

ضعف در هنجارهای انسجام بخش ملی: سرمایه اجتماعی از نگاه «فوکویاما» عبارت است از: مجموعه هنجارهای موجود در نظام اجتماعی که موجب بالا رفتن سطح همکاری اعضای جامعه و پایین آمدن سطح هزینه تبادلات و ارتباطات می‌گردد (موسوی، ۱۳۸۹: ۱۱۹). جامعه ایران جامعه ای «کنترل‌مندی» است و در حال حاضر مدیریت سیاسی جامعه در دست طبقه خاصی بنام طبقه روحانیت است و سایر طبقات و گروه‌های قومی و مذهبی تا حدود زیادی از رسیدن به مناصب مدیریتی بالا دستی خارج هستند. این مسئله در بلندمدت و هم اکنون موجب فرسایش اعتماد بین گروه‌های قومی و مذهبی نسبت به سیستم سیاسی می‌شود (ابوالفتحی و قنبری، ۱۳۹۷: ۲۲).

ضعف در اجرای قانون و پاسخگویی: در این راستا نتایج دو پیمایش سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ نشان می‌دهد که در مورد اعتماد به حاکمیت قانون نیز پاسخ‌ها حاکی از آن است که درصد کمی از شهروندان (کمتر از ۳۰ درصد) به این امر اعتماد دارند، البته این میزان در سال ۱۳۸۲ به حدود ۱۰ درصد کاهش یافته است (صالحی امیری، ۱۳۸۷: ۵۶).

بروکراتیزه شدن جامعه: «زونیس» بروکراسی حجیم و بالا بردن حجم نامه‌نگاری‌های اداری را از نشانه‌های بی‌اعتمادی در جامعه ایران می‌داند و معتقد است این بی‌اعتمادی عمومی به همه حوزه‌های قابل تسری است (حسین پناهی و اشرف ایمنی، ۱۳۹۰: ۷۳-۷۳). از دیگر نتایج بروکراتیزه شدن جامعه مجال برای رشد شبکه‌های ارتباطی غیر رسمی (سرمایه اجتماعی منفی) و مبتنی بر رابطه است که باعث تضعیف سرمایه اجتماعی می‌شود (ابوالفتحی و قنبری، ۱۳۹۷: ۲۵).

تمرکزگرایی: در اصل در آن نظام سیاسی که قدرت متمرکز است، نخست فساد بیشتر می‌شود و سپس اعتماد کاهش می‌یابد (صیادزاده و علمی، ۱۳۹۲: ۱۱۴). می‌توان گفت همیشه تمرکز منابع در دستگاه دولت، از ابزارهای مهم برای اعمال اقتدار و قدرت در ایران بوده است. در اصل ۵۷ قانون اساسی، قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران مستقل از هم هستند، ولی در آخر این قوا زیر نظر ولایت فقیه اداره می‌شوند. میزان مراجعه مردم به دستگاه‌های دولتی روز به روز افزایش یافته و همین افزایش تقاضا از طرف مردم و کمبود منابع و امکانات از سوی دولت زمینه تمرکز بیشتر قدرت و به تبع آن افزایش فساد دولتی را فراهم خواهد کرد (ابوالفتحی و قنبری، ۱۳۹۷: ۲۶).

¹ Centralization

فرهنگ سیاسی: سیدنی وربا معتقد است فرهنگ سیاسی^۱ نظامی از اعتقادات تجربی، نمادها ی معنادار و ارزش ها و حالتی که در آن کنش سیاسی اتفاق می افتد، می باشد. فرهنگ سیاسی جهت گیری ذهنی مردم به سیاست را میسر می سازد (Mibagheri, 2003: 35). یکی از عوامل افول سرمایه اجتماعی در ایران نامناسب بودن ساخت فرهنگی (سیاسی) جامعه است که اجازه همپاری و همکاری گروهی، اعتماد (مؤلفه سرمایه اجتماعی) به یک دیگر و برخورد عقلانی با مسائل را نمی دهد (ابوالفتحی و قنبری، ۱۳۹۷: ۲۷).

۴-۵- نقش کاهش سرمایه اجتماعی و شکاف دولت و ملت در ایران

عدم پاسخگویی دولت ها در برابر مردم: زمانی که رجال سیاسی یک کشور نتوانند پاسخگو و مسئول عملکردشان در قبال مردم باشند به عنوان افرادی ناکارآمد و نالایق دیده خواهند شد. که این امر می تواند اعتماد مردم نسبت به مدیران و مسئولین سیاسی را کاهش دهد و در نتیجه راه برای شکل گیری نارضایتی های عمومی در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و غیره را ایجاد کند (انفی، ۱۳۹۲: ۲).

عدم توجه کافی برخی دولتمردان و مسئولین سیاسی در اداره امور: عدم توجه کافی بعضی از مسئولین سیاسی و رجال دولتی در انجام اموری که بر عهده آنها است می تواند زمینه را برای بی اعتمادی بین دولت و ملت ایجاد کند. امروزه با گسترش و افزایش تکنولوژی های گوناگون اطلاعاتی و رسانه های جمعی و گروهی، توسعه تبادل اطلاعات و غیره فعالیت های مسئولین سیاسی و رجال دولتی توسط شبکه های اطلاع رسانی مورد بررسی قرار گرفته و از این طریق مردم از اقدامات و فعالیت های آنها مطلع می شوند (الهی منش و میرزا نیا، ۱۳۹۵: ۱۴۹).

ایجاد فاصله و جدایی میان دولت و مردم و از بین رفتن وحدت ملی: این امر مسلم است که سلامت یک نظام سیاسی و یک اجتماع و کشوری زمانی تضمین می شود که همه افراد جامعه، به خصوص حکومت کنندگان و حکومت شوندهگان، با یک دیگر در تعامل برابر باشند. چرا که عدم وحدت، همدلی و همکاری باعث جدایی و نتایج سوئی برای جامعه سیاسی در پی خواهد داشت. در این زمینه می توان به بحران خرداد ۱۳۶۰ اشاره کرد (الهی منش و میرزانیا، ۱۳۹۵: ۱۴۹).

۴-۶- نتیجه گیری

سرمایه اجتماعی (بعد از سرمایه های مالی، مادی یا فیزیکی و سرمایه انسانی) به عنوان مرحله چهارم از حلقه تکاملی سرمایه می باشد که در توسعه و پایداری و همچنین میزان ثبات نظام سیاسی کشور ها دارای جایگاه و نقش بسیار مهمی می باشد. بر این اساس جامعه ای که به سرمایه اجتماعی توجه لازم را نداشته باشد، سرمایه های دیگر را نیز از بین خواهد برد. لذا امروزه در اثرگذار بودن و نقش مهم سرمایه اجتماعی در ثبات و پایداری دولت ها و نظام های سیاسی از آن جمله در ثبات و پایدار جمهوری اسلامی ایران در میان صاحب نظران داخلی و خارجی جای هیچ گونه شک و تردیدی نیست. کاهش سرمایه اجتماعی در نظام سیاسی مساوی با مسائل متعددی مانند: مساله معرفتی یا شناختی، مساله مهارتی و مساله انگیزشی خواهد بود. در این میان مؤلفه اعتماد یکی از مؤلفه ها و یکی از بعدهای اساسی سرمایه اجتماعی به شمار می آید که باید به آن توجه کافی را داشت. هم اکنون ادامه و تداوم نظام جمهوری اسلامی ایران به بعد عملی اعتماد مبتنی است و بر این اساس پایداری و ثبات نظام سیاسی مسیر

¹ Political Culture

خودش را ادامه می‌دهد که نتیجه آن آزادی‌های مدنی، کاهش فقر، حیات محیط زیست، شغل و رفاه پایدار و از این قبیل موارد خواهیم بود. سرمایه اجتماعی به عنوان گنجی نهان در هر جامعه‌ای به شمار می‌آید که اگرچه به صورت عینی و ملموس نمی‌باشد ولی در واقع در زیر پوست هر جامعه‌ای به عنوان یک پدیده مهم می‌باشد که باید به آن توجه شود. به گونه‌ای که با مطالعات کمی و کیفی میزان حضور این متغیر قابل ارزیابی است. بهترین نوع استفاده از این متغیر، استفاده آن بر اساس فرهنگ بومی هر کشور است. بر طبق یافته‌های پژوهش عدم کارآمدی، منجر به تقلیل میزان سرمایه اجتماعی شده و می‌تواند بر فلسفه نظام سیاسی، خدشه وارد کند. در جهان امروز که عنصر کارآمدی مشروعیت تنظیم کننده روابط دو جانبه ملت دولت با شمار می‌رود بدیهی است که کاهش کارآمدی به افست مشروعیت خواهد انجامید. افست مشروعیت به معنی کم‌رنگ شدن ارتباط ملت با دولت و در نتیجه کاهش اعتماد دو طرف به یکدیگر خواهد بود. آنچه مسلم است این است که جمهوری اسلامی ایران از پس چهار دهه علیرغم توفیقاتی که در حفظ تمامیت ارضی، استقلال ملی و سیاسی و همبستگی دینی و انقلابی ایجاد کرده هنوز نتوانسته است بر معضلات عمده اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و بعضاً سیاسی خود فائق آید و این وضعیت به ناکارآمدی این نظام و کاهش مشروعیت آن در افکار عمومی منجر گردیده است. در چنین فضایی است که روابط ملت دولت به سطحی قابل قبول ارتقاء خواهد یافت و این ارتقاء روابط زمینه ساز ترمیم سرمایه اجتماعی یا اعتماد عمومی را فراهم می‌کند. خروج از لاک انزوا و ایجاد ارتباط گروهی و شبکه‌ای پیش زمینه تکوین سرمایه اجتماعی است لذا بی‌راه نیست اگر ادعا شود سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای است از ارتباطات شبکه‌ای که بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای هر جامعه شکل و شمایل خاصی به خود می‌گیرد و از آنجایی که ارزش‌ها و هنجارهای ایرانی نیز تحت تأثیر سه عنصر هویت تاریخی ایرانی، باورهای دینی شیعی و الزامات زندگی مدرن تنظیم می‌شوند چاره‌ای جز طراحی این شبکه‌ها بر این اصول سه‌گانه نیست. در حوزه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی نیز که موضوع بحث ماست تشکیل و فعالیت شبکه‌هایی مردم‌نهاد که بر این سه عنصر استوار شده باشند از سوی ملت و طراحی و بروزرسانی بدنه دولت و بروکراسی حاکم بر اساس سه عنصر ملیت، مذهب و مدرنیته از سوی حاکمیت می‌تواند به مفصل بندی گفتمانی مشترک منتهی شود که ضمن فریه‌تر کردن روابط ملت دولت زمینه ساز اعتماد این دو نهاد به یکدیگر و در نتیجه به تصحیح روند کارآمدی مشروعیت بینجامد.

۱-۶- پیشنهادات

- در ادامه با تمرکز بر اجزای شکل دهنده فرهنگ جامعه، راه‌های افزایش سرمایه اجتماعی بر پایه اصول اخلاقی و برخورداری از جامعه‌ای با نشاط و دور از انزواطلبی به این شرح پیشنهاد می‌گردد:
- ارزیابی و ارتقای سطح فرهنگ اخلاقی جامعه: با تأکید بر رواج راستگویی، صداقت، عذر خواهی کردن، تقدیر کردن از اقدامات شایسته دیگران.
 - ارزیابی و ارتقای سطح فرهنگ همیاری شهری: با تأکید بر؛ سطح مشارکت در برگزاری انتخابات و نظرسنجی‌های مهم اجتماعی، مانند انتخابات شوراهای محلی و شهرداری‌ها، همکاری در زیباسازی شهر و امکان و معابر عمومی، مشارکت در نظافت عمومی شهر.

- ارزیابی و ارتقای سطح فرهنگ قانون پذیری جامعه: با تاکید بر افزایش سطح آگاهی به قوانین اجتماعی، رعایت ضوابط اداری و عام گرایی (قانون پذیری) در برابر خاص گرایی (قومیت گرایی و پارتی بازی).
- ارزیابی و ارتقای سطح فرهنگ و وفاق و همبستگی اجتماعی و ملی در جامعه: با تاکید بر، احترام به نماد های ملی، چون خط، زبان، حس میهن دوستی، سطح مسئولیت پذیری و...
- افزایش کارآمدی دولت: دولت باید با سازوکارهای دقیقی بتواند گسست بین خواست های بحق مردم و خدمات دولتی را کاهش دهد.
- رفع تعارضات ساختاری: بروز تنش در درون ساخت رسمی قدرت و تقابل نیروهای اصلی تصمیم ساز، در هر سطح و اندازه ای که باشد به افت سرمایه اجتماعی منتهی می شود.
- مشارکت جویی: دولت موظف است تا زمینه لازم برای مشارکت مردم در عرصه های مختلف را برای ایجاد مشروعیت قدرت فراهم و از گسست میان مردم و حکومت ممانعت به عمل آورد.

منابع

- ابوالفتحی، محمد، قنبری، لقمان، بررسی موانع و راهکارهای تحقق حکمرانی خوب در ایران با تاکید بر سرمایه اجتماعی در سطح کلان، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال هشتم، شماره ۲۹.
- احمدی، حمید، (۱۳۸۹)، تاثیر انحصارات بر سرمایه اجتماعی، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵.
- امام خمینی، روح‌الله، (۱۳۸۵)، صحیفه امام، (دوره ۲۲ جلدی)، تهران، موسسه تنبیه و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج، چاپ سوم.
- پاک‌سرشت، سلیمان، (۱۳۹۳)، ملاحظات و راهبردهای ارتقای سرمایه اجتماعی، راهبرد فرهنگ، شماره ۲۵.
- تاج‌بخش، کیان، (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه)، ترجمه: افشین خاک‌باز و حسین پویان، تهران: شیرازه.
- تبریز نیا، حسین، (۱۳۷۱)، علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران، تهران، مرکز نشر بین‌المللی.
- تقوی، حسین، (۱۳۸۰)، انقلاب اسلامی در تئوری و عمل، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی صاحب‌الزمان.
- توتونچیان، ایرج، (۱۳۸۳)، پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه داری، تهران، توانگران.
- جعفری نیا، غلامرضا، (۱۳۹۱)، بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان شهر خورموج، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره دوم، صفحات ۸۷-۱۲۲.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۹)، ولایت‌فقیه، ولایت‌فقاہت و عدالت، قم، اسراء.
- حسین پناهی، محمد، امینی، اشرف، (۱۳۹۰)، دولت رانتی، اقتصاد دولتی، فرهنگ سیاسی و سرمایه اجتماعی در ایران (۱۳۶۸-۱۳۸۴)، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی.
- حشمت زاده، محمداقبر، (۱۳۹۶)، بررسی موانع تحقق حکمرانی خوب در فرهنگ سیاسی ایران، جستارهای معاصر، سال ۸، شماره ۱.
- خدادادی، محمد اسماعیل، (۱۳۸۱)، نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از پیدایی تا استقرار کامل، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ششم، شماره ۱۸، صفحات ۱۳۱-۱۶۰.
- خمینی، روح‌الله، (۱۳۶۹)، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۴)، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دارا، جلیل، خاکی، محسن، (۱۳۹۶) کارآمدی و تداوم نظام مردم‌سالاری دینی از منظر سرمایه اجتماعی، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۵۱، صص ۲۰۳-۲۲۲.
- دثایی فرد، حسن، (۱۳۹۳)، چالش‌های مدیریت دولتی در ایران، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم.
- ردادی، محسن، (۱۳۸۷)، مولفه‌های سرمایه اجتماعی در اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معارف اسلامی و سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع).
- ساعی، منصور، (۱۳۸۹)، جزوه درسی ارتباطات سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- سعادت، رحمان، (۱۳۸۷)، برآورد روند سرمایه اجتماعی در ایران (با استفاده از روش فازی)، تحقیقات اقتصادی، شماره ۴۳.
- شارع پور، محمود، (۱۳۸۵)، مفهوم سازی، سنجش و دلالت‌های سیاست‌گذاری، ساری، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان مازندران.

- صالحی امیری، رضا، (۱۳۸۷)، بررسی وضعیت اعتماد در جامعه ایران و راه های بازسازی آن، پژوهشنامه اعتماد سیاسی، شماره ۱۶.
- صیاد، محمدرضا، خسروی، محمدعلی، شیرخانی، علی، خسروی باب اناری، ملک تاج، (۱۳۹۷)، تأثیر فرهنگ دولت‌گرا بر کارآمدی نظام سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره سوم صص ۸۱-۱۰۱.
- صیادزاده، علی، علمی، زهرا، (۱۳۹۲)، رابطه فساد و سرمایه اجتماعی در الگوی رشد، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۱۳، شماره ۵۰.
- صیدایی، اسکندر، احمدی شاپورآبادی، محمدعلی، معین آبادی، حسین، (۱۳۸۸)، دیباچه ای بر سرمایه اجتماعی و رابطه آن با مولفه توسعه اجتماعی در ایران، راهبرد یاس، شماره ۱۹.
- عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۶۶)، فقه سیاسی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- عیسی نیا، رضا (۱۳۹۷)، نقش سرمایه اجتماعی در پایداری نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه
- فاتحی، ابوالقاسم، اخلاصی، ابراهیم، (۱۳۹۱)، عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی (مورد مطالعه: دانش آموزان دختر پیش دانشگاهی شهر شیراز)، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی شماره ۱۴، صفحات ۱۴۹-۱۸۵.
- فتحعلی، محمود، (۱۳۸۳)، کارآمدی نظام اسلامی، قم، صباح، سال سوم، شماره ۱۲ - ۱۱.
- فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۷۹)، پایان نظم، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان، چاپ اول.
- فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۷۹)، پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن ترجمه‌ی غلام عباس توسلی، تهران، جامعه‌ی ایرانیان.
- فیروزجائیان، علی اصغر، (۱۳۸۷)، تحلیل جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی دانشجویان، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، صفحات ۸۳-۱۰۹.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۰۱)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- کلمن، جیمز، (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر حیدری، تهران نشر نی.
- گودرزوند چگینی، مهرداد، هاشمی، سید حامد، یوسفی، مینو، (۱۳۹۶)، تأثیر سرمایه اجتماعی بر انتخاب نام تجاری مصرف‌کنندگان، مجله مدیریت توسعه و تحول، شماره ۳۱، صفحات ۲۱-۳۱.
- گولدرن، حسن، (۱۳۶۸)، بحران جامعه شناسی غرب، ترجمه فریده ممتاز، تهران، شرکت سهامی انتشار
- لاریجانی، علی، غلامی ایرستان، (۱۳۹۰)، رابطه اقتدار و مشروعیت در نظام سیاسی اسلام، فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، صفحات ۶۶-۹۰.
- لنگرودی، محمدم جعفر، (۱۳۶۸)، ترمینولوژی حقوق، چاپ چهارم، تهران، کتاب‌نامه گنج دانش.
- محسنی تبریزی، علیرضا، (۱۳۶۹)، بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، تهران.
- منظور، داوود، یادبودی، مهدی، (۱۳۸۷)، سرمایه اجتماعی عامل توسعه اجتماعی و اقتصادی، راهبرد یاس، شماره ۱۵.
- موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

- موسوی، میر طیب، (۱۳۸۹)، اندیشه سرمایه اجتماعی، وفاق اجتماعی، توسعه سیاسی امنیت ملی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره سیزدهم.
- الوانی شیروانی، علیرضا، (۱۳۸۲)، سرمایه اجتماعی اصل محوری توسعه، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۴۷
- الوانی، سید مهدی، سید نقوی، میر علی، (۱۳۹۱)، سرمایه اجتماعی، مفاهیم و نظریه ها، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۳۳ و ۳۴.
- هانتینگتون، ساموئل، (۱۳۷۵)، سامان سیاسی در جوامع دست خوش دگرگونی، ترجمه: ثلاثی، محسن، نشر علم، تهران
- الهی منش، محمدحسن، میرزاتیا، علیرضا، (۱۳۹۵)، تأثیر سرمایه اجتماعی دولت های جمهوری اسلامی ایران بر وندالیسم اجتماعی، سپهر سیاست، سال چهارم، شماره یازدهم.
- Wallace C.Pichler F. (2009): *More Participation, Happier Society? A comparative study of civil society and the quality of life: Soc Indic Res*
- Putnam, Robert D, Robert Leonardi and Raffaella Y. Nanetti, 1993, *Making*
- Rawls, John A, 1999, *Theory of Justice*, 2nd ed, Harvard UP.
- Mibagheri, Farid, (2003), *Political Culture and Its Impact on Politics the Case of Iran, Political Culture Case Studies Conflict Studies Research Centre*. Published By: Defence Academy of the United Kingdom, available at: <https://www.files.ethz>.
- Claude, Ake, 1974, *Modernization and Political Instability*, world politics, V. 26, N. 4.